

بررسی تطبیقی حق ملاقات بستگان با طفل در حقوق اساسی ایران و کنوانسیون حقوق کودک

یوسف مقدسی^۱، هادی شایان مهر^۲

^۱استادیار دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی، پردیس شهید رجایی ارومیه

^۲کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

نویسنده مسئول:

یوسف مقدسی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال هفتم)
شماره ۲۳ / بهار ۱۴۰۰ / ص ۲۶-۳۵

چکیده

نظر به چگونگی شکل گرفتن شخصیت طفل در بستر مهر و محبت ابوبین و اقربا و محروم ماندن طفل از عواطف و احساسات؛ قانونگذار را برآن واداشته است که به تدوین حقوق کودک بپردازد و در این راستا حق ملاقات اقربا با ایشان را در حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱ به رسمیت بشناسد که این مهم بذاته از چنان اهمیتی برخوردار است که به عنوان ضرورت در حقوق اساسی ایران و کنوانسیون حقوق کودک مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی مواد حقوقی مصرح به عنوان داده های پژوهش نشان از تعارض در اعطای حق ملاقات به بستگان؛ با حق حضانتی که والدین دارند است. و نیز مشخص نیست که حق ملاقات بستگان با طفل در طول حق ملاقات پدر و مادر قرار دارد و یا در عرض آنها و حق ملاقات به صورت اجمال و کلی بیان شده و موجبات ابهام را فراهم آورده است. هدف مقاله حاضر این است که از منابع حقوقی و نظرات فقهی بهره گرفته تا پاسخ ابهامات را در حد توان به شیوه توصیفی- تحلیلی تبیین کند. و با این وصف علاوه بر اینکه قانونگذار به ابهامات پیشین پاسخ نداده بلکه ابهاماتی هم ایجاد کرده است که خلاف قانونگذاری شایسته می باشد، بنابراین جهت رفع حل مشکل و پاسخگویی به ابهامات و گاه سکوت قانون داخلی سعی در تشریح برخی ماده قانونی که در فوق نیز به آن ها اشاره شد را دارد و در این راستا سعی برآن داریم تا از حقوق اساسی ایران و کنوانسیون حقوق کودک بهره گرفته تا ابهامات را در حدی مرتفع نماییم.

واژگان کلیدی: حقوق اساسی، ملاقات، کنوانسیون، بستگان، کودک

مقدمه

خانواده به عنوان اولین کانونی که کودک در آن قرار می‌گیرد دارای اهمیت شایان توجهی است و در واقع خانواده، زنجیره ارتباطی اجتماع و تضمین کننده آرامش و ثبات جامعه است. روابط بین افراد خانواده و نقش‌هایی که هر یک از اعضا بر عهده می‌گیرند، می‌تواند بر شکل‌گیری شخصیت و نحوه تعاملات افراد اثر بگذارد. کودکان نخستین وابستگی‌های عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در خانواده برقرار می‌سازند و درونی کردن ارزشها و هنجارهای فرهنگی را در آن آغاز می‌کنند. کارکرد عاطفی خانواده از نیاز انسان به محبت و وابستگی‌ها ناشی می‌شود، بدون وجود محبت و احساس پیوستگی، خانواده ممکن است با مشکلات عاطفی و روانی مواجه گردد بنابراین موضوع حقوق کودک امروزه در نظام‌های حقوقی گوناگون و مقررات بین‌المللی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. بنابراین سوالات اساسی این مقاله عبارتند از: ۱- آیا حق ملاقات بستگان با طفل در طول حق ملاقات پدر و مادر قرار دارد یا در عرض آنها؟ ۲- آیا کودک موجودی منفعل است و در این خصوص حقی برای خود دارد؟ ۳- آیا بین حق ولایت جد پدری و حق ملاقات کودک ملازمه وجود دارد یا خیر؟ ۴- آیا حق حضانت در طول حق ملاقات قرار دارد یا خیر؟ ۵- البته که حق ملاقات بستگان با طفل در طول حق ملاقات پدر و مادر قرار دارد؟ ۲- کودک موجودی منفعل نیست و در این خصوص حقی برای خود دارد؟ ۳- بین حق ولایت جد پدری و حق ملاقات کودک ملازمه ای وجود ندارد؟ ۴- و حق حضانت در طول حق ملاقات پدر و مادر قرار دارند. بنابراین شایسته است برای شناخت بهتر موضوع با مفاهیمی چون حق، کودک، ابوبین و بستگان و مصلحت آشنا شویم.

۱- مفهوم حق

واژه ی حق در زبان عربی به صورت مصدر، اسم و صفت به کار رفته است. نویسندگان بزرگ عرب درباره ی معنای لغوی آن تا حدودی مطالبات مشابهی نوشته اند، چنان که برخی در مقام تبیین معنای لغوی آن چنین آورده اند: حق در لغت به معنای «ثابت که انکار آن روا نباشد» و «آنچه ادای آن واجب باشد، حال واقع، حکم مطابق با واقع» (دهخدا، ۱۳۱۱، ۱۳۳۳) و در اصطلاح فقهی و حقوقی عبارت است از سلطه و توانایی شخص بر چیزی یا کسی، به طوریکه بر اساس آن بتواند در آن چیز یا شخص تصرف کند (گرجی، ۱۳۶۴). جرجانی نیز در تعریف لغوی حق آورده است: حق آن ثابتی است که انکار آن جایز نیست (جرجانی، ۱۴۲۴). بعضی معتقدند که هر چند بعضاً معانی متعددی برای آن ذکر شده، این معانی به معنای واحدی که مفهوم ثبوت و ثابت است، بر می‌گردد (فیومی، ۱۹۸۷). بنابراین می‌توان گفت که حق در معنای مصدری به معنای ثبوت و در معنای وصفی به معنای ثابت است. درخصوص تبیین معنای حق در اصطلاح حقوقی، تعاریف متعددی از سوی صاحب نظران علم حقوق ارائه گردیده است. برخی در تعریف آن چنین بیان داشته اند: حق عبارت است از اقتداری که قانون به افراد می‌دهد تا عملی را انجام دهند. آزادی، عمل، رکن اساسی حق در این تعریف می‌باشد؛ یعنی آدمیان در انجام یا عدم انجام آن عمل آزادند. (امامی). برخی نیز حق را به معنی امتیاز و توانایی دانسته اند که نظام حقوقی هر جامعه برای اعضای خود به وجود می‌آورد و صاحب واقعی حق کسی است که از آن سود می‌برد؛ مانند حق مالکیت، حق ابوت، حق بنوت و... از این لحاظ مفهوم حق، امتیازی است که به حیات و موجودیت هر موجودی تعلق دارد و هر موجودی به لحاظ موقعیت خود آن را نسبت به دیگری مطالبه میکند. (گلپایگانی، ۱۳۸۳). دسته ای دیگر برای «حق» معنای حقیقی و اعتباری قائلند و معنای اعتباری حق را اجازه می‌دانند. در این معنا زمانی که گفته می‌شود کسی حق دارد یعنی ذی حق اجازه دارد و مانعی در مقابل وی نیست و لازمه آن اختیار شخص به استفاده و عدم استفاده از آن است (ابراهیمی، ۱۳۸۲). در حقیقت «حق» نوعی اعتبار است که برای انسان بما هو انسان «وجود دارد». (حقیقت، ۱۳۹۱)

اقسام حق

پس از بیان تعریف «حق»، به اقسام حق می‌پردازیم. حق به اعتبار متعلق خود به حقوق مالی و حقوق غیر مالی و حق عینی و دینی و حق معنوی و... تقسیم می‌شود؛ با عنایت به موضوع بحث که از حقوق غیرمالی محسوب می‌شود، صرفاً به توضیح حقوق غیر مالی می‌پردازیم.

حق غیر مالی

حق غیر مالی، امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی است (خسروشاهی، دانش پژوه، فلسفه حقوق). موضوع حق غیرمالی، روابط غیر مالی افراد جامعه است و ارزش داد و ستد نداشته، به طور مستقیم قابل ارزیابی مالی نیست. حقوق غیرمالی قابل واگذاری به غیر نمی‌باشد و بعضی از آنان به سبب مخصوص قابل زوال است؛ مانند: زوجیت که به وسیله فسخ نکاح و طلاق منحل می‌گردد و بعضی دیگر دایمی و غیرقابل زوال است؛ مانند نبوت (فرزند) که به هیچ وجه پدر و مادر نمی‌تواند نسبت مزبور را از خود سلب

نمایند. همچنان که بعضی از حقوق غیر مالی قابل اسقاط و بعضی غیرقابل اسقاط هستند (امامی، حقوق مدنی). بنابراین حق ملاقات از حقوق غیر مالی محسوب می شود و با توجه به اینکه حق ملاقات با حق حضانت ارتباط مستقیم دارد و به موجب ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران هم حق و هم تکلیف والدین است و ملاقات دائرمدار حضانت است، که حضانت ادامه داشته باشد. مطابق» نظریه شماره ۷/۲۶۷۶-۱۳۸۰/۸/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه با رسیدن به سن بلوغ، موضوع حضانت اطفال منتفی است» در مورد ملاقات نیز چنان چه فرزند بالغ تمایلی به ملاقات پدر و مادر نداشته باشد، الزام وی به انجام ملاقات موجه نیست. این مقام مشورتی قضات، ملاقات را نوعی حق برای ملاقات کننده دانسته و در نظریه شماره ۷/۲۳۳۳-۱۳۷۸/۵/۱۱ با اشاره به «حق ملاقات» در ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی و قابل اسقاط بودن حق، اسقاط آن توسط ملاقات شونده را بلامانع دانسته است. این در حالی است که ملاقات با والدین، باید حق طفل نیز به شمار آید و از این نظر تکلیفی برای والدین باشد. (اسدی، ۱۳۸۸). بنابراین حق ملاقات تا مدتی قابل تصور است. مطابق نظر مشهور فقهای امامیه، مادر تا هفت سالگی بر حضانت دختر اولی است (نجفی، ۱۴۱۲ ه، عاملی، ۱۳۷۷). برخی نه سالگی را نیز ذکر کرده اند (حلی، ۱۳۶۴). ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ مادر را تا دوسال از تاریخ ولادت برای نگهداری پسر و تا هفت سال برای نگه داری دختر اولی دانسته است. (اسدی، ۱۳۸۸). با رسیدن طفل به سن بلوغ، او از حضانت خارج می شود و خودشان می توانند انتخاب کنند به این ترتیب، با اصلاحات سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۱ در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ برای دختران، به نه سال و برای پسران به پانزده سال تمام قمری تغییر یافت. با این وصف آنچه امروزه موجب پایان یافتن حضانت است، رسیدن طفل به سن بلوغ می باشد؛ زیرا فرد به محض رسیدن به سن بلوغ می تواند در کلیه امور غیرمالی خود تصمی مگیری نماید و حضانت نیز از امور غیرمالی است. (اسدی، ۱۳۸۸) و اما پس از رسیدن به سن بلوغ، حتی اگر فرزندان نزد مادرشان باشند و نتوانند استقلال مالی داشته باشند، پدر موظف به پرداخت نفقه آنها است. پس جزء حقوق دایمی محسوب نمی گردد و با خروج طفل از حضانت حق ملاقات هم به پایان می رسد و طفل هر زمان که بخواهد، می تواند با هر کدام از والدین یا بستگانش ملاقات داشته باشد و از خصوصیات دیگر حق ملاقات قابل اسقاط بودن آن می باشد، لکن به این موضوع بایستی توجه داشت که در حق ملاقات صاحبان حق، والدین و کودک و یا کسانی که به موجب قانون دارای حق ملاقات هستند، و توافق هر کدام از والدین بدون در نظر گرفتن حق کودک مبنی بر اینکه دیگری حق ملاقات نداشته باشد صحیح نمی باشد و در واقع صاحبان یا اطراف حق اینجا پدر و مادر و کودک می باشد. و ماده ۲۳ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مقرر می دارد: «(در مواردی که طفل به هر دلیل از ملاقات امتناع می کند، اجرای احکام باید با هماهنگی با دادگاه تدابیر لازم از جمله ارجاع موضوع به مددکار اجتماعی یا مرکز مشاوره خانواده برای جلب تمایل طفل به ملاقات اتخاذ نماید. اگر با توجه به نظر مشاور روانشناس مرکز فوق و قرائن موجود برای دادگاه محرز شود اجرای حکم حضانت یا ملاقات کودک به سلامت روانی وی آسیب وارد خواهد کرد، اجرای احکام می تواند با کسب موافقت دادگاه تا فراهم شدن آمادگی طفل، اجرای حکم را به تأخیر اندازد)». بنابراین با عنایت به ماده ۲۳ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده و با توجه به عبارت «(در مواردی که طفل به هر دلیل از ملاقات امتناع نماید)»، می توان گفت که در بحث حق ملاقات، طفل نیز دارای حق می باشد و طفل موجودی منفعل محسوب نمی شود و در صورتی که کودک، صغیر ممیز باشد و با توجه به اینکه صغیر ممیز در حقوق غیر مالی می تواند دخالت کند، پس می توان گفت که کودک نیز در این خصوص از اطراف حق می باشد و دادگاه در اعطای حق ملاقات بنابر مصلحت طفل و جلب نظر کودک تصمیم مقتضی اخذ خواهد نمود.

۲- مفهوم کودک

کودک از نظر لغوی به معنای کوچک، صغیر، طفل و بچه خردسال انسان، خواه پسر باشد یا دختر، و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده است، می باشد (دهخدا، ۱۳۷۳) (عمید، ۱۳۶۳). و به معنی جوان نیز به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۰) (معین، ۱۳۸۱). اما از نظر اصطلاحی، طبق نظر مشهور فقهای امامیه در اصطلاح فقهی کودک به کسی گفته می شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد (امام خمینی، ۱۳۷۹) کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد (نجفی بی تا) (شیخ طوسی، ۱۳۸۷) و پانزده سال تمام قمری برای پسران و نه سال تمام قمری برای دختران، سن بلوغ از نظر مشهور میباشد (نجفی، بی تا). امام خمینی نیز کودک را کسی میدانند که از تصرف در اموالش ممنوع است (امام خمینی، ۱۴۲۱). بر این اساس باید گفت، از نظر فقهی به پسر زیر پانزده سال تمام قمری و دختر زیر نه سال تمام قمری، کودک اطلاق میگردد. متأسفانه در قانون اساسی ایران، تعریف جامع و کاملی از کودک ارایه نشده است و قانونگذار تنها به قانونگذاری راجع به کودک پرداخته است، لکن در اصل بیست و یکم خود از واژه «کودکان بی سرپرست» استفاده کرده است؛ که این استفاده به نظر می رسد با توجه به اصل چهارم قانون اساسی باید بر آن کودکی اطلاق شود که به لحاظ شرعی کودک محسوب می شود و به تعبیر ساده که کودکی در این اصل قانونی اساسی همان صغیر و طفل شرعی را شامل می شود که مشخص است که به سن بلوغ نرسیده است. (کودک از منظر کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹). قانون مدنی ایران در تبصره یک ماده ۱۲۱۰، اعلام داشته است: «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.» براساس قانون مدنی کنونی کودک مترادف با واژه صغیر، طفل

دانسته شده است ولیکن تعریفی جامع و کاملی ارایه نشده است. تنها در ماده ۱۲۰۷ این قانون صغار را جز محجورین دانسته و از تصرف در اموال خود ممنوع نموده است. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک و طبق ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، تعریف کودک عبارت است از: «از نظر پیمان نامه حاضر، منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تعیین شده باشد.» (آذربایجان، حقوق کودک پناهجو در اتحادیه اروپا). قسمت اخیر ماده که پایان سن کودکی را به قانون قابل اجرا در مورد کودک تغییر داده است و ممکن است کمتر از ۱۸ سال باشد می توان به توجه تهیه کنندگان پیش نویس کنوانسیون به نظام های حقوقی مختلف از جمله کشورهای اسلامی است که پایان کودکی را در سنین پایین تر از ۱۸ سالگی می دانند دانست.

۳- مفهوم والدین

والدین واژه ی عربیست به معنی پدر و مادر، و در مورد آنها ابوبن نیز به کار می رود (دهخدا، ۱۳۷۳). برابر پارسی این واژه زادوران و زای آوران است. در قانون مدنی ایران تعریف دقیقی از واژه (والدین) بعمل نیامده، لکن در مواد قانونی مختلف لفظ والدین بکار رفته است که از آن جمله می توان به ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی اشاره کرد: «در صورتی که به علت طلاق یا به هر علت دیگر ابوبن طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابوبن که طفل تحت حضانت او نمیشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه به آن در صورت اختلاف بین ابوبن با محکمه است» و در واقع منظور از والدین در متون قانونی عبارت از پدر و مادر حقیقی طفل می باشد که در زمان انعقاد نطفه میان آنها رابطه زوجیت صحیح وجود داشته باشد؛ هرچند که در عرف به پدر بزرگ، والد گفته می شود و اطلاق والد او را می گیرد لکن با مراجعه به متون فقهی در میابیم که جد و جده داخل در لفظ والد و والده نیستند. ولی با نبودن پدر و مادر، جد پدری برای حضانت نسبت به دیگران اولویت دارد (نجفی، ۱۴۳۰). صاحب جواهر در این بحث که آیا نفقه جد و جده بر نوه واجب است یا نه می فرماید: جد و جده داخل در لفظ والد و والده نیستند (نجفی، بی تا). بنابراین با توجه به مطالب مزبور می توان گفت که منظور از ابوبن صرفا پدر و مادر کودک هستند و سایرین مانند پدر بزرگ یا مادر بزرگ از اقرباء کودک محسوب می شوند و آن طوری که در مباحث آتی توضیح خواهیم داد، بین حق ولایت جد پدری و حق ملاقات کودک ملازمه ی وجود ندارد.

۴- مفهوم اقرباء

«اقرباء» جمع «قریب» است به معنی خویشاوندان و نزدیکان است (دهخدا، ۱۳۷۳). خویشاوندی رابطه ای است که در اثر نکاح یا نسب یا رضاع بین دو نفر وجود دارد. قرابتی که از نسب حاصل شده است ((قرابت نسبی)) و خویشاوندی ناشی از نکاح را ((قرابت سببی)) و خویشی حاصل از شیر خواری را ((قرابت رضاعی)) می نامند (کاتوزیان، حقوق خانواده)، در اصطلاح فقهی و حقوقی اقربا به معنای، خویشان و خویشاوندان اعم از نسبی و سببی و رضاعی و اعم از ابوبنی و ابی و امی میباشد (لنگرودی، ۱۳۷۸). همانطور که ملاحظه می شود مفهوم و دایره شمول بستگان خیلی وسیع بوده و بعضا در قانون مدنی مثلا در خصوص قرابت نسبی طبقات مختلفی نیز تقسیم بندی صورت گرفته است. لکن بایستی توجه داشت که مهم ترین علت وجود حق ملاقات بستگان با کودک وجوب صله رحم و حرمت قطع آن است و بدیهی است چنانکه از نامش پیداست، ویژه خویشاوندان نسبی است که از یک رحم (منشا) هستند. بنابراین چتر حمایتی قانونگذار در مورد خویشاوندان رضاعی و همچنین چون کودک نمی تواند خویشاوندان سببی داشته باشد، صدق نمی کند (مظاهری، ۱۳۹۲، صالحی نژاد، ۱۳۹۲). لکن در خصوص خویشاوندان نسبی قانونگذار ضابطه دقیقی را مشخص و معین نکرده و دایره شمول کلمه ((بستگان)) بکار رفته در ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۷ وسیع و گسترده می باشد و بایستی دایره شمول و مفهوم کلمه ((بستگان)) با یاری قراین موجود مشخص گردد. یکی از قراینی که می توان بررسی کرد عبارت ((مصلحت طفل)) می باشد که در متون قانونی بکار رفته است، بنابراین ذیلا به بررسی آن می پردازیم.

۵- مفهوم مصلحت

مصلحت در لغت یعنی مأخوذ از تازی مصلحه، مقابل مفسده، خلاف مفسدت، صواب، شایستگی، صلاح، آن چه که صلاح و نفع تشخیص شود. و مصلحت آمیز، یعنی مطابق صلاح کار، بر وفق مصلحت و مقتضا. (دهخدا، ۱۳۷۰). مصلحت در مقابل مفسده و در لغت به مفهوم خیر و صالح آمده است (فیومی، ۱۴۰۵). دانشمندان اسلامی در بیان مفهوم اصطلاحی مصلحت، تعابیر و برداشت های گوناگونی را بیان کرده اند: برای نمونه برخی مصلحت را دفع ضرر یا جلب منفعت برای دین و دنیا دانسته اند (قمی، ۱۳۷۸). به نظر بعضی نیز مصلحت عبارت است از آنچه با مقاصد انسان در امور دنیوی روی یا هر دو، موافق بوده و نتیجه ی آن به دست آوردن منفعت یا دفع ضرری

باشد(محقق حلی، ۱۳۶۲). ماده ی ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ به مبحث مصلحت واهمیت این بحث پرداخته و در کنار گذاشتن توافقات اولیه ی مادر و پدر و اتخاذ تصمیم مناسب بر اساس مصلحت طفل توسط دادگاه مؤثر است. حاجی عزیزی و همکاران، ۱۳۹۲). در حالی که در قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ رد پای نداشته؛ برای مثال در ماده ی ۱۲ قانون مزبور، هیچ چگونه صحبتی از اهمیت مصلحت در رأی محکمه نیست، در حالی که در قانون حمایت مصوب ۱۳۹۱ به انحاء مختلف به آن تأکید شده است(حاجی عزیزی و همکاران، ۱۳۹۲). و همچنین در ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مقرر می دارد: «...همچنین دادگاه باید با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند»، در واقع زمان و مکان ملاقات جزء متغیرهایی می باشد که ممکن است بنابر مصلحت طفل در حق ملاقات تأثیر گذار باشد. در کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹ میلادی) نیز در بند (۱) ماده(۳) ملاحظه منافع و مصالح کودک در تمام امور مرتبط با او اشاره شده است. با وجود تلاش برای تبیین جایگاه و ماهیت مصلحت مآخوذ در حقوق کودک در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون حقوق کودک، مفهوم و مصادیق مصلحت کودک هنوز در هاله ای از ابهام قرار دارند.

۶- حق ملاقات بستگان با طفل در حقوق اساسی ایران

در مقررات قانونی ایرانی حق ملاقاتی که بستگان با طفل دارند در ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ اشاره شده است. ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده-مصوب سال ۱۳۵۳/۱۱/۱۵ مقرر می دارد: در کلیه مواردی که گواهی عدم امکان سازش صادر می شود، دادگاه ترتیب نگاهداری اطفال و میزان نفقه ی ایام عده را با توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصلحت اطفال معین می کند و اگر قرار شود فرزندان نزد مادر یا شخص دیگری بمانند ترتیب نگاهداری و میزان هزینه ی آنان را مشخص می نماید. نفقه ی زوجه از عواید و دارایی مرد و نفقه ی اولاد و مبلغ ماهانه ی مقرر در ماده ی ۱۱ از عواید و دارایی مرد یا زن یا هر دو و حتی از حقوق بازنشستگی استیفا خواهد گردید. دادگاه مبلغی را که باید از عواید یا دارایی مرد یا زن یا هر دو برای هر فرزند استیفا گردد تعیین و طریقه ی اطمینان بخشی برای پرداخت آن مقرر می کند. دادگاه همچنین ترتیب ملاقات اطفال را برای طرفی معین می کند حق ملاقات با طفل در صورت غیبت یا فوت پدر یا مادر به تشخیص دادگاه با سایر اقربا خواهد بود. پس میتوان نتیجه گیری کرد که اقرباء در صورت غیبت یا فوت پدر و مادر حق ملاقات خواهند داشت و همچنین ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده (فصل چهارم، مبحث طلاق مصوب سال ۱۳۹۱/۱۲/۰۱) دادگاه را مکلف کرده است ضمن رای خود در خصوص طلاق تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه و همچنین با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند؛ با عنایت به مواد قانونی مزبور می توان گفت که بستگان صرفاً در صورت غیبت یا فوت پدر و مادر حق ملاقات را خواهند داشت و در واقع در این حالت حق ملاقات بستگان در طول حق ملاقات والدین طفل قرار دارد.

مشهور فقهای امامیه معتقدند که چنانچه پدر و مادر طفل هر دو فوت کنند، حضانت طفل با جد پدری است. سرچشمه ی این اصل این است که حضانت، متعلق به پدر است بنابراین اولویت مادر نسبت به پدر در امر حضانت در سنین خاص، برخلاف قاعده و به لحاظ وجود نص در این باره است؛ لذا در هنگام نبود پدر، به مادر منتقل میشود و در صورت نبود هر دوی والدین به جد پدری منتقل میشود (علی محمدی، ۱۳۹۰) به نقل از (طوسی، ۱۴۰۷) ممکن است یکی از والدین طفل فوت نماید و حضانت طفل با پدر یا مادری که در قید حیات است خواهد بود و در اینجا نیز دو حالت ممکن است اتفاق بیافتد، حالتی که متصور است ممکن است پدر کودک فوت نماید و جد پدری در قید حیات باشد در این حالت حضانت طفل طبق ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ با مادر خواهد بود و جد پدری مطابق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی ولایت بر کودک دارد؛ و سوالی در این حالت مطرح می شود که آیا بین حق ولایت جد پدری و حق ملاقات کودک ملازمه وجود دارد یا نه؟ شیخ حر عاملی می فرماید ملازمه ی وجود ندارد که بحث تفصیلی آن در شماره قبلی بیان شد؛ ممکن است در حالتی دیگر پدر طفل در قید حیات باشد و مادر طفل وفات نموده باشد در این حالت چون پدر ولایت بر طفل دارد و حضانت نیز بر عهده او می باشد، پدر کودک بنابر مصلحت طفل می تواند مانع ملاقات سایر بستگان گردد چون حضانت تکلیف است تکلیف است به این معنی که هیچ یک از پدر و مادر نمیتوانند از نگهداری و حضانت کودک امتناع کنند. و حاضر در برابر کودک مسولیت دارد و می تواند مانع حق ملاقات گردد. حالت دیگری که ممکن است مطرح شود زمانبست که والدین طفل قصد متارکه دارند و در این حالت دادگاه در ضمن صدور حکم طلاق بایستی حاضر را مشخص نماید و برای طرف دیگر به همراه بستگان کودک که درخواست حق ملاقات مطرح شده است تعیین تکلیف نماید و در این حالت حق ملاقات بستگان در عرض پدر یا مادری که حق ملاقات دارد، متصور می باشد و با عنایت به اینکه قانونگذار در ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ دادگاه را مکلف به تعیین تکلیف در خصوص حق ملاقات پدر، مادر و بستگان ضمن حکم طلاق کرده است، بنابراین طرح دادخواست مستقل از سوی بستگان مبنی بر ملاقات طفل قابلیت استماع ندارد. مطلب دیگری که در خصوص حق ملاقات بستگان با کودک مطرح می شود مصلحت طفل می باشد، در مباحث قبلی مطرح شد

قانونگذار به ذکر مصادیقی از مصلحت اشاره و تعیین مصلحت کودک را بر عهده دادگاه گذاشته است. ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ به ذکر مصادیقی از قبیل (سن)، (زمان) و (مکان) اشاره کرده است و البته ذکر این مصادیق حصری نبوده و مسلماً دادرسی در صدور حکم تمامی جوانب را ملاحظه و بنابر مصلحت طفل تصمیم مقتضی اخذ خواهد نمود و در تعیین حق ملاقات نظر کودک نیز اگر ممیز باشد لحاظ خواهد شد و این امر را می توان از ماده ۲۳ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده استنباط نمود که مقرر می دارد: ((در مواردی که طفل به هر دلیل از ملاقات امتناع می کند، اجرای احکام باید با هماهنگی با دادگاه تدابیر لازم از جمله ارجاع موضوع به مددکار اجتماعی یا مرکز مشاوره خانواده برای جلب تمایل طفل به ملاقات اتخاذ نماید. اگر با توجه به نظر مشاور روانشناس مرکز فوق و قرائن موجود برای دادگاه محرز شود اجرای حکم حضانت یا ملاقات کودک به سلامت روانی وی آسیب وارد خواهد کرد، اجرای احکام می تواند با کسب موافقت دادگاه تا فراهم شدن آمادگی طفل، اجرای حکم را به تأخیر اندازد)). بنابراین با عنایت به ماده ۲۳ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده و با توجه به عبارت ((در مواردی که طفل به هر دلیل از ملاقات امتناع نماید))، می توان گفت که در بحث حق ملاقات، طفل نیز دارای حق می باشد و طفل موجودی منفعل محسوب نمی شود و در صورتی که کودک، صغیر ممیز باشد و با توجه به اینکه صغیر ممیز در حقوق غیر مالی می تواند دخالت کند، پس می توان گفت که کودک نیز در این خصوص از اطراف حق می باشد و دادگاه در اعطای حق ملاقات بنابر مصلحت طفل و جلب نظر کودک تصمیم مقتضی اخذ خواهد نمود. و مطلب دیگر که قانونگذار در تبصره ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده بیان نموده است، (قوه قضائیه مکلف است برای نحوه ملاقات والدین با طفل ساز و کار مناسب با مصالح خانواده و کودک را فراهم نماید). راجع به توافقات نحوه ملاقات می باشد، فلذا میتوان گفت که ملاقات کودک ممکن است از طریق تماس تلفنی و یا تماس تصویری انجام بگیرد و صدور حق ملاقات حتماً به این معنا نیست که صاحب حق بتواند طفل را خود به محل سکونتش ببرد.

۷- حق ملاقات بستگان با طفل در کنوانسیون حقوق کودک

این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا) این سند را تصویب کرده اند یا به آن ملحق شده اند. ایالات متحده آمریکا تنها عضو سازمان ملل متحد است که آن را تصویب نکرده است. به این ترتیب مقبول ترین سند حقوق بشر در تاریخ می باشد (وبگاه یونیسف، ۱۹۸۹). در اجرای مفاده ۴۳ آن جهت حصول اطمینان از اجرای کنوانسیون مذکور، کمیته ای با عنوان "کمیته حقوق کودکان"، متشکل از ۱۰ نفر از متخصصین صلاحیتدار از ۵ قاره جهان در سازمان ملل متحد تشکیل شده است. کمیته مزبور بعنوان نهاد ناظر کمیسیون محسوب می گردد که وظیفه بحث و گفتگو میان کشور های عضو در جهت ارتقاء حقوق کودک را به عهده دارد. دو پروتکل الحاقی این کنوانسیون شامل: به کار گیری کودکان در درگیری های مسلحانه و نیز فروش، فحشاء و بهره برداری جنسی از کودکان است که هر دو، مصوب ۲۵ می سال ۲۰۰۰ میلادی طبق قطعنامه مجمع عمومی می باشد. (محمد رضا زمانی درمزاری، ۱۳۸۹). مفاد این کنوانسیون را در یک تقسیم بندی کلی به شش گروه کلی می توان تقسیم کرد که از میان آن هائی می توان به، موادی که به امور خاص کودکان مانند نقش و جایگاه والدین در ارتباط با کودکان اختصاص داده شده و در مواد ۱-۴۱ کنوانسیون، مقرر شده است اشاره کرد. پیش از تصویب کنوانسیون مزبور- اعلامیه جهانی حقوق بشر در دو ماده ۲۵ و ۲؛ به صورت مستقیم و غیر مستقیم حقوق کودک را اجمالاً، مورد بررسی قرار داده بود. ماده ۲۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ که یک سند الزام آور بین المللی است؛ با تفصیل بیشتری در سه بند به حقوق کودکان پرداخته و ضمن تأکید بر اصل عدم تبعیض در مورد کودکان؛ حق حمایت شدن کودک در سه حوزه خانواده، جامعه و کشور را مورد توجه قرار داده است. اعلامیه ۱۹۵۹ حقوق کودک با تفصیل بیشتری به حقوق کودک پرداخت. (نظریانی، ۱۳۹۰). دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۲ با «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» و با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسماً این کنوانسیون را پذیرفت؛ مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الاجرا نباشد. از سال ۷۲ تا ۸۸ وزارت امور خارجه به نمایندگی از دولت امور مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون و وظیفه نظارت و تنظیم و ارسال گزارش ادواری آن را بر عهده داشت و از دی ماه ۱۳۸۸ با مصوبه دولت، مسئولیت این کنوانسیون به وزارت دادگستری واگذار شد. (مصوب هیئت وزیران، ۱۳۸۸). ماده ۱۸- کنوانسیون حقوق کودک: نگهداری کودک توسط والدین (مسئولیت مشترک والدین): (حکومت ها تأکید و تضمین می کنند که پدر و مادر هر دو با هم مسئول تربیت و رشد کودک هستند. حکومت های عضو این پیمان، جهت اجرای حقوق مندرج در اینجا، از والدین در انجام وظایف خود در رابطه با تربیت و رشد کودک، پشتیبانی می کنند). حکومت ها تمام اقدام های لازم را انجام می دهند تا برای نگهداری از کودکانی که والدین شاغل دارند، امکانات مناسب را فراهم کنند. حق کودک بر بودن با اقارب در اسناد بین المللی مورد توجه قرار نگرفته (نکتهی بارز در حقوق مندرج در نسل اول حقوق

بشر، توجه به اصالت فرد است. این حقوق که در مواد ۲ تا ۲۱ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق بین المللی حقوق مدنی - سیاسی ۱۹۶۶ مطرح شده اند، ملاک اصلی را آزادی دانسته است (وکیل، ۱۳۸۳ و عسکری، ۱۳۸۳). «حق با هم بودن» در اسناد نسل اول حقوق بشر به ویژه کنوانسیون حقوق کودک تا حدی به این حق است. اما در اسناد نسل دوم به کودک توجه کرده اند و شاید بتوان گفت تکلیف دولتها به معاضدت و همکاری در تضمین این حقوق برای انسانها، و در بحث ما کودکان، زمینه وصول به نسل سوم حقوق بشر است که از آن به حقوق همبستگی تعبیر شده است. بدین معنا که صلح و امنیت بین المللی به وضعیت داخلی کشورها وابسته است و تا وقتی در کشوری حقوق انسانها تأمین نشود، نمیتوان از صلح بین المللی دم زد. این همان مفهومی است که در ماده یک منشور ملل متحد ((بندهای ۲ و ۳ ماده یک منشور ملل متحد (۱۹۴۵) آمده است. (اسدی، ۱۳۸۸). اسناد مرتبط با حقوق کودک تا حدی به حق کودک بر بودن با اقارب توجه، کامل نموده است؛ طبق اصل ۶ اعلامیه جهانی حقوق ۱۹۵۹ متعادل کودک، منوط به برخورداری از محبت و تفاهم است و به همین جهت وی باید حتی الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و در فضایی پر محبت و در امنیت اخلاقی و مادی پرورش یابد. کنوانسیون حقوق کودک فراتر از حق بودن با والدین، به ارتباط با اقارب نیز توجه کرده است، اما در بیان اینکه آیا حق ارتباط با اقارب، در طول حق بودن با والدین است یا در عرض آن میبایشد، با ابهام روبهرو است. مقدمه کنوانسیون حقوق کودک، یکی از اصول شناخته شده برای کودک را بزرگ شدن او در محیط خانواده و در فضایی پر از خوشبختی، محبت و تفاهم میثاق دانسته است. در تعریف خانواده از بعد بین المللی، با نگاهی به ماده ۲۳ میثاق حقوق و سیاسی ۱۹۶۱ (International Covenant on Civil and Political Rights, 1966) و ماده ۱۰ میثاق، همان تعبیر مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی را با تفصیل بیشتری آورده است. الگوی خانواده که شامل والدین و فرزندان است، نمودار میشود. این مواد از خانواده تعریف صریحی ارائه نداده است، اما اشاره به نکاح، به عنوان زیربنای تشکیل خانواده و تکلیف دولتها در تأمین حمایت از اطفال پس از انحلال نکاح، این تعبیر را موجه میسازد. کنوانسیون حقوق کودک نیز اگرچه بارها به خانواده اشاره کرده، اما تعریفی از آن ارائه نداده است، لذا باید آن را در مفهوم مندرج در میثاقین به کار برد، اما در ماده ۵ کنوانسیون حقوق کودک، به «اعضای خانواده بزرگی که از طریق آداب محلی به وجود میآید»، اشاره کرده است و استناد به این مفهوم موسع را منوط به «قابلیت اطلاق» نموده که بستگی به آداب و رسوم محل تولد یا رشد طفل دارد. حق بر قرار گرفتن تحت سرپرستی والدین (بند یک ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک) و جدا نشدن کودکان علیرغم خواسته شان از والدین، مگر به تصمیم مقامات ذیصلاح و با در نظر گرفتن نفع کودک (بند یک ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک)، حق کودک بر حفظ روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین (بند ۳ ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق کودک)، عدم انفصال کودک از محیط خانواده به طور موقت یا دائم (بند یک ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک) از جمله مواردی است که در کنوانسیون حقوق کودک درخصوص ارتباط کودک با والدین یا سایر اعضای خانواده (شامل برادر و خواهر)، مورد توجه قرار گرفته است. در تمامی این مواد، بودن کودک با اعضای خانواده به ویژه والدین، به عنوان حقی برای کودک، و نه برای والدین، در نظر گرفته شده است و در واقع میتوان گفت این حق، تکلیفی هم برای والدین محسوب میگردد، اما از آنجا که این کنوانسیون از اسناد نسل دوم حقوق بشری است، بیش از آنکه به بیان تکلیف والدین (افراد) در برابر کودک بپردازد، به تکلیف دولتها در برابر این موجود نیازمند حمایت، توجه داشته است. برخی از حقوق بند یک ماده ۹ کنوانسیون، تکلیف والدین را هم در این خصوص استنباط کرده و گفته اند: کودک باید از حمایت ویژه هم از طرف خانواده و هم از طرف قدرت عمومی برخوردار باشد (هاشمی، ۱۳۸۴) همچنین گفته شده است که تفسیر عهدنامه باید با هدف تأمین منافع عالیه کودک و با عنایت به حقوق و وظایف والدین او صورت گیرد (بند ۲ ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک (درچه، ۱۳۹۵)).

نتیجه گیری

با بررسی های انجام شده درباره ارتباط کودک با والدین به عنوان حقی برای کودک در مواد ۱-۴۱ و همچنین ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک که در آن از والدین و نگهداری کودک توسط والدین (همان مسئولیت مشترک) سخن به میان آمده و گرچه بارها از واژه والدین استفاده شده ولی تعریفی دقیق از آن ارائه نشده و دارای ابهام است. اما حق کودک بر بودن با اقارب و بستگان در اسناد بین المللی را میتوان در اصل ۶ اعلامیه جهانی کودک و در بند های یک ماده ۷، ۹، ۲۰ و همچنین در بند ۳ ماده ۱۰ از جمله مواردی دانست که درباره ارتباط کودک با والدین یا سایر اعضا خانواده (شامل برادر، خواهر) میباشد را مورد توجه قرار داده ولی از حق ملاقات سایر بستگان طفل هیچ موردی را بیان نکرده و در هاله ای از ابهام گذاشته است و صرفاً به حق ارتباط والدین به صورت کلی پرداخته است. در حقوق اساسی ایران گرچه موضوع ملاقات طفل با بستگان به دادگاه واگذار شده و درین مورد دارای ابهام است ولی به نسبت کنوانسیون حقوق کودک با وضوح بیشتری مورد بررسی قرار گرفته. چنانکه در مواد ۱۲ و ۲۹ قانون حمایت خانواده بعد از تعیین و تکلیف ترتیب نگهداری اطفال حق ملاقات طفل را برای طرفی معین میکند و حق ملاقات با طفل را در صورت غیبت یا فوت پدر و مادر به تشخیص دادگاه با سایر اقربا میداند که مفصلاً در مورد آن ها در مطالب قبلی بحث شد. همچنین در ماده ۲۳ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده به تعیین حق ملاقات از دید کودک اگر ممیز باشد را هم مد نظر قرار داده و در تبصره ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده به نحوه ملاقات کودک نیز بی توجه نبوده است فلذا حق ملاقات طفل با بستگان در حقوق اساسی ایران به نسبت کنوانسیون حقوق کودک را میتوان دارای وضوح و دقت بیشتری دانست گرچه حقوق اساسی ایران نیز ازین ابهام بی بهره نیست.

منابع و مأخذ

- آذرپندار، ا.، ۱۳۹۶، حقوق کودک پناهجو در اتحادیه اروپا، تهران، شاپرک سرخ
- اسدی، ل.، ۱۳۸۸، حق کودک بر بودن با والدین و خویشاوندان، فقه و حقوق خانواده
- امامی، م.، ۱۳۷۶، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیة
- امام خمینی، ر.، ۱۳۷۹، تحریرالوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ابراهیمی، ج.، ۱۳۸۲، سیری در حقوق بشر، تهران، انتشارات زوار
- امام خمینی، ر.، ۱۴۲۱ق، تحریرالوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- بطحائی گلپایگانی، م.، ۱۳۸۳، اسلام و حقوق بشر، مجموعه مقالات حقوق بشر در جهان امروز، شرکت سهامی انتشار، تهران
- جعفری لنگرودی، م.، ۱۳۷۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش
- جرجانی، ع.، ۱۴۲۴ق، کتاب التعریفات، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الولی
- حلی، ج. بی تا، شرایع الاسلام (ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی)، تهران، دانشگاه تهران
- درجه، م.، ۱۳۹۵، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم حق، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی
- دهخدا، ع.، ۱۳۳۴، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران
- دهخدا، ع.، ۱۳۷۰، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران
- دهخدا، ع.، ۱۳۷۳، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- عزیزی، ح.، مولودی، ب.، حسنخانی، م.، راضیه، ۱۳۹۴، نوآوری ها و چالش های حق حضانت زنان در پرتو قانون، مجله مطالعات راهبردی زنان
- علی محمدی، ط.، خاکساری، ا.، ۱۳۹۱، اشخاص صالح برای حضانت از منظر فقه امامیه و قانون مدنی، ماهنامه معرفت
- گرجی، ا.، ۱۳۶۴، حق و حکم و فرق میان آن ها، مطالعات حقوقی و قضایی
- مظاہری، م.، صالحی نژاد، ف.، ۱۳۹۳، بررسی مبانی فقهی حق کودک بر بودن با والدین و خویشاوندان با رویکردی به نظر امام خمینی (س). پژوهشنامه متین
- نجفی، م.، ۱۴۳۰، جواهر الکلام، قم، مؤسسه معارف الاسلامیه
- نجفی، م. بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت-لبنان، دار إحياء التراث العربی
- طوسی، ج.، ۱۳۸۷ق، مبسوط فی فقه امامیه، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه
- عمید، ح.، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر
- الفیومی المقدمی، ا.، ۱۹۸۱، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بیروت، مکتبه لبنان
- فیومی، ا.، ۱۴۰۵، المصباح المنیر، قم، دارالهجره
- فیومی، ا.، ۱۹۸۷، المصباح المنیر، بیروت: مکتبه لبنان
- قدرت اله، خ.، دانش پژوه، م.، ۱۳۷۸، فلسفه حقوق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)
- قمی، ا.، ۱۳۷۸، قوانین الاصول، تهران، علمیه اسلامیة
- کاتوزیان، ن.، ۱۳۹۹، حقوق خانواده، تهران، گنج دانش
- میرموسوی، ع.، حقیقت، ص.، ۱۳۹۱، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام دیگر مکاتب، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- معین، م.، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر
- نجفی، م.، ۱۴۱۲ه، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، مؤسسه المرتضی العالمیه
- نجفی، م. بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت-لبنان، دار إحياء التراث العربی
- وکیل، ا.، عسکری، پ.، ۱۳۸۳، نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، تهران، انتشارات مجد
- هاشمی، م.، ۱۳۸۴، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، نشر میزان

منابع اینترنتی

- آشنایی با مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، مصوب هیئت وزیران (۱۳۸۸)، وبگاه وزارت دادگستری،
https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/808437
- نیلوفر، ن.، ۱۳۹۰، کنوانسیون حقوق کودک، نوشته شده در شنبه ۲۹ مرداد، <http://iail.blogfa.com/post>
- وبگاه یونیسف، پیمان نامه حقوق کودک، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹
<https://fa.wikipedia.org/wiki>
- واحد مطالعات حقوق کودک و حقوق بین الملل موسسه حقوقی و بین المللی زمانی، فحشاء و هرزه نگاری کودکان، ۱۳۸۶، وب سایت راه مقصود. <https://www.google.com/search?q>
- International Covenant on Civil and Political Rights, 1966, <https://fa.wikipedia.org/wiki>